

## لزوم دید پایگاه نظامی امریکا در افغانستان

افغانستان بنابر موقعیت استراتژیکی و ژئوپلتیکی حساس خود در عصر استعمار به عنوان یک کشور حایل در میان قلمرو روسیه تزاری و هند بریتانوی بارها در اثر رقابت و جهان گشائی آن دو ابرقدرت استعماری درگیر جنگهای شده که حاصل آن به غیر از تلفات انسانی و ویرانی چیز دیگری برای مردم ما دربر نداشته، ما فقط به این افتخار کرده ایم که از خود شجاعت نشان داده ایم و بعد از بقدرت رسیدن امان الله خان و حصول استقلال سیاسی هم دل به این خوش کرده ایم که استقلال داریم ولی نتیجه اش باز هم جنگ سقوی و بعد از آنهم سالها کشورماچون یک جزیره مطرود روابطش با دنیای غرب در نهایت محدودیت قرار گرفت و حکومت ها در محافظه کاری به اصطلاح در لاک خود فرورفته بودند که نتوانسته اند حتی به پای پیشرفت و ترقی پاکستان هم حرکت نمایند.

در عصر به اصطلاح جنگ سرد روشنفکران خلق و پرچم زیر نام ترفیخواهی و انقلابیگری دست بکودتا زدند و طبع دولت شوروی را برای بلعیدن کشور چنان تحریک کردند که تمام اصول و قوانین بین دول را زیر پا گذاشته، ده سال تمام کشورما را مورد تجاوز همه جانبه نظامی قرار داد، که حاصل آن یکونیم میلیون کشته شدن مرد و زن و طفل افغان و بعد از آنهم در اثر جنگهای داخلی میان گروهی تقریباً ویرانی کامل آنچه در طول سالها بوجود آمده بود از میان رفت. و با گذشت سه دهه و از نه سال بدینسو با موجودیت قوای بین المللی و تلاش همه جانبه آنها بمقصد پایان دادن به عملیات تروریستی و تامین امنیت در افغانستان و منطقه موفق نشده اند و هنوز خونریزی و ویرانی جریان دارد و معلوم نیست که سرانجام سرنوشت مردم رنج دیده و کشور مصیبت زده ما چه خواهد شد؟ در موقعیت موجود راجع به حال و آینده افغانستان سوالات زیادی در ذهن انسان خطور میکند که اشارتاً به آن پرداخته میشود:

۱- آیا شورای تعیین شده از سوی رئیس جمهور کرزی بمنظور برقراری رابطه و مذاکره با سران طالبان و رهبران ملکی و نظامی پاکستان برای پایان دادن به جنگ به نتیجه خواهد رسید؟

جواب درین زمینه از دید من منفیست زیرا دوام جنگ طالبان علیه نیروهای بین المللی و دولت افغانستان اساساً خواست رهبران نظامی پاکستان بوده و این مساله برای آنها یک هدف استراتژیکیست یعنی از طریق بقدرت رسیدن طالبان میخواهند در افغانستان مسلط شده و آنجا تروریستها و بنیاد گرایان مذهبی تحت رهبری خود را به جانب کشمیر مربوط هند سوق دهند و بدینترتیب از آنجائیکه نمیتوانند همگام هند راه ترقی اقتصادی و مدرنیزم را در زمینه های دیگر در پیش گیرند لذا با ادامه عملیات تروریستی هر سال دولت امریکا را به پرداخت باج بیشتر و میدارند و بدینترتیب به سیاست کجدار و مریز خود تا زمانیکه ممکن باشد ادامه خواهند داد.

۲- برای طالبان عملیات تروریستی به علل بیکاری، فقر اقتصادی و بی دانشی بیک شیوه ادامه حیات مبدل شده است ولی ضمناً در اثر تلقین مذهبی وایدئولوژی پرستی و روحیه قهرمان بازی برای بعضی انسان های که از دانش علمی، هنری و دیگر ارزشهای انسانی بی بهره اند عمل انقلابی، انتحاری یا جنگ و جهاد افتخار و جذابیت خاص دارد، زیرا به زندگی شان بارقه ای از شکوه می بخشد و به ایشان امکان میدهد خود شانرا شجاع تر از دیگران، و مسلمان راستین بدانند، که گویا در این جهان بی فضیلت شهادت و جهاد برای شان فضیلت آفرین و رفتن به حیات جاودانی در بهشت برین است.

۳- طوریکه معلوم شده دولت های ثروتمند عربی و شیخ های ثروتمند منطقه خلیج فارس اصلاً علاقه به قطع عملیات تروریستی در افغانستان ندارند بلکه به سازمان القاعده و طالبان کمک مالی میروسانند که در پاکستان و افغانستان سرگرم بوده و مزاحم آنها نشوند:

۴- قبل از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ دولت افغانستان آهسته آهسته داشت در میان اقوام مختلف کشور ریشه میگرفت و بسوی وحدت ملی حرکت مینمود اما این پروسه تدریجی به اثر کودتا ها، تجاوز خارجی و جنگهای داخلی از هم گسست و در حال حاضر با آنکه از راس دولت گرفته تا بدنه آن از هر قوم در تمام نهاد های آن دولت شامل هستند البته به تناسب تفنگداران و حامیان خارجی شان نه بر اساس فیصدی جمعیت و ظرفیت های تخصصی و کاری شان مگر طبیعتاً هیچ کدام به حق خود قانع نبوده، برای رسیدن بمقامات بلند تر و دسترسی به سوء استفاده جوئی های کلانتر تلاش دارند، این مساله دامنگر پلیس و اردوی ملی هم است و از لحاظ تشکیلات اداری نیز جنگ سالاران محلی میخواهند علاقه داری های خود را به ولسوالی ها و ولسوالی های شان را به ولایت ارتقا دهند و درین مورد تا حدودی موفق هم شده اند مثلاً دره پنجشیر که از نگاه ساحه و جمعیت بیش از یک ولسوالی ظرفیت ندارد، تشکیل

و بودجه یک ولایت را به آن قابل شده اند، علاوه بر آن هر قوم میخواد زبان خود را یگانه زبان رسمی و بالای زبانهای اقوام دیگر تحمیل نماید. پس هر گاه جلو اینهمه برتری جوئی و فشارهای ناسالم گرفته نشود و بصورت سالم و قانونمند مسایل اجتماعی تنظیم نگردد گام های که در جهت خود مختاری محلی به پیش میرود احتمالاً در آینده نه چندان دور جنگهای بسیار فاجعه بار و تجزیه کشور بوجود خواهد آمد.

۵ - جنگسالاران چه در داخل دولت و چه خارج از آن غرق در سودای ثروت اندوزی اند، فساد دستگاه دولت در حدیست که با وجود سرازیر شدن میلیارد ها دالر امداد خارجی، قدرتمندان در زد و بند با عناصر فاسد خارجی بیشترین قسمت آنرا حیف و میل کرده به حسابات شخصی شان در خارج انتقال میدهند، کاش اینهمه ثروت در داخل کشور بکار انداخته می شد تا چهار پنج میلیون افغان برای یافتن کار و ادامه زندگی مجبور نمی شدند که به پاکستان و ایران رفته بکار های طاقت فرسا و به شیوه بردگی تن دهند، درد آور تر اینکه گفته میشود در همین شب و روز اگر آرد و گندمی از خارج به افغانستان کمک نشود، شش و نیم میلیون انسان از نبود لقمه نان خشک جان خواهند داد.

۶ - شکل فساد اداری و مصیبت های بیشمار دامنگیر مردم افغانستان را اساساً ادامه سه دهه جنگ می سازد ولی چرا باوجود نزدیک به ده سال تلاش های همه جانبه دولت امریکا و ائتلاف بین المللی جنگ مذکور پایان نمی یابد تا با قوت بیشتر مبارزه علیه فساد اداری بعمل آید .

۷ - اینهمه کاملاً واضح و روشن شده است که در عقب جنگ و عملیات تروریستی علیه نیروهای بین المللی و دولت افغانستان نظامی های پاکستانی و رژیم آخندی ایران قرار دارند، حکومت آخندی ایران بمقصد توسعه نفوذ منطوقی اش میخواد امریکا و ائتلاف بین المللی را به ترک از افغانستان وادارد و نظامی های پاکستانی به این تصور اند همانطوریکه روسها پس از ده سال ادامه جنگ در افغانستان شکست خوردند و همانگونه که امریکائی ها در ویتنام و عراق شکست خوردند در افغانستان نیز شکست خواهند خورد و این تصور شان وقتی نزدیک بواقعیت شد که رئیس جمهور اوپا ما اعلام داشت که تا سال ۲۰۱۴ قوایش را کاملاً از افغانستان خارج می نماید. بنابران از یکسو رژیم آخندی ایران بمقصد فشار وارد کردن بدولت امریکا و مردم افغانستان میخواد به اهداف خود نزدیک شود و با این هدف از چند روز بدینسو حتی گل روی مارشال قسیم فهیمم راهم نادیده گرفته و به تانکر های نفت رسانی اجازه ندادند که مطابق توافق نامه های ترانزیتی مواد نفت بصورت ترانزیت از خاک آنکشور داخل خاک افغانستان گردد، همچنان نظامی های پاکستانی نیز اخیراً از طریق طالبان به عملیات تروریستی شان در مناطق شمال افغانستان افزوده اند.

۸ - آیا در ظرف چهار سال باقیمانده به خروج کامل نیروهای امریکائی و بین المللی از افغانستان ممکن، خواهد بود که طالبان و سازمان القاعده در افغانستان و منطقه مواجه به شکست شده و یا آنقدر تضعیف شوند که دولت افغانستان بتواند روی پای خود بایستد؟

تجربه ده سالی که گذشت بخوبی نشان میدهد که با همه تلاش امریکائی ها و ائتلاف بین المللی نه تنها تضعیفی در وضع فعالیت های تروریستی طالبان بوجود نیامده بلکه بیشتر هم شده و دولت پاکستان نیز به سیاست کجدار مریز خود در قبال امریکا و دولت افغانستان ادامه داده است، لذا همه میدانند که پس از چهارسال در فردای خروج عساکر امریکائی دولت افغانستان توانائی دفاع از خود را نخواهد داشت و به احتمال زیاد سقوط خواهد کرد و جنگ و جهاد برای به اصطلاح استقرار حاکمیت جهانی اسلام در منطقه شدت خواهد یافت که شاید با درک همین خطر بوده که سناتور امریکائی از حزب جمهوریخواه پیشنهاد ایجاد چهار پایگاه نظامی را از جانب امریکا در افغانستان راه حل واقعی و مناسب تشخیص داده است.

۹ - بعضی از افغانهای محترم چنین نظر دارند که پیش نهاد تاسیس پایگاه نظامی از جانب سناتور امریکائی در افغانستان استقلال و حاکمیت ملی کشور را زیر سوال می برد و دولت های منطقه را بیشتر از پیش بر علیه امریکا بر می انگیزد، البته این استدلال چندان قانع کننده نیست، آنها باید اینرا دریابند که دوران استعمار سالها قبل سپری شده و قرن بیست و یک عصر جهانی شدن ( ماندیالیزاسیون ) است، منافع قدرتهای بزرگ ایجاب نمیکند که از طریق بکار برد زور کشور ضعیفی را به تصرف خود در آورده و با پرداخت مصارف هنگفت مالی و تلفات انسانی جهت سرکوب مقاومت های مردم آن سرزمین، اقدام نمایند، اینرا دولت های استعماری از تجارب گذشته شان دریافته اند و بهمین لحاظ گلیم استعمار بر چیده شده است.

تا اینجا که گفته آمدیم بخاطر آن بود که دریابیم آیا پیشنهاد سناتور امریکائی یک راه حل مناسب و دایمی برای رفع مداخله دولت پاکستان و ایران در امور افغانستان و همچنان بر علیه فعالیت های تروریستی در منطقه موثر خواهد بود یا خیر؟

نکته اول : هرگاه بالاثربیشنهاد سناتور امریکائی مبنی بر ایجاد پایگاه نظامی در افغانستان توافقی بین دولت امریکا و افغانستان بعمل آید میتوان گفت تمام خواب و خیالات شوم دولت پاکستان و ایران به یا س مبدل شده زمام داران هر دو کشور در خواهند یافت که بعد از آن مداخله در امور افغانستان و براه اندازی عملیات تروریستی کاریست عبث که هیچ وقت آنها را به اهداف شان نخواهد رساند بلکه ضرر مالی و تلفات جانی بیمورد را عاید شان نموده و حتی خطر تجزیه کشور شان را در پی خواهد داشت

نکته دوم: مردم ما از پیشنهاد ایجاد پایگاه نظامی در افغانستان، اگر مورد قبول دولت امریکا و افغانستان واقع شود بخاطر اینکه از شر مداخلات زیانبار همسایه های دشمن، خود و کشورشان در امان باشند از آن بخوشی حمایت خواهند نمود.

نکته سوم: کشور های آسیای میانه، روسیه، هند و همه مردم و دولت های که خود را از جانب تروریسم در خطر می بینند، ایجاد پایگاه نظامی از سوی دولت امریکا در افغانستان را بخیر خود دیده بلا تردید از آن استقبال خواهند نمود.

نکته چهارم: مساله ایجاد پایگاه نظامی امریکا در افغانستان اگر جنبه عملی را بخود گیرد، اطمینان و تضمینی خواهد بود برای همه و بیشتر برای آن افغانهای که از عدم مصونیت دارائی شان را به بانکهای دویی و جاهای دیگر انتقال میدهند و اگر چنین اطمینانی بوجود آید که بار دیگر طالبان بقدرت نخواهند رسید و جان و دارائی شان تهدید و به تاراج نخواهد رفت، واضحست که سرمایه داران داخلی و خارجی به سرمایه گذاری های کلانی در افغانستان حاضر خواهند شد بخصوص بعد از اینکه معلوم شده که افغانستان دارای چندین نوع معادن به ارزش سه هزار میلیارد دلرمی باشد مسلماً انگیزه خوبی فراهم شده است تا موسسات و شرکت ها داخل اقدامات شده و از آنطریق برای مردم افغانستان در بخش های مختلف کار فراهم گردد که از رفتن به ایران و جاهای دیگر بپرهیزند و در کشور خود به زندگی آبرومند بپردازند.

آنچه گفته شد صرفاً یک تصور ذهنی خوشبینان نیست در جاهای دیگری از جهان ایجاد چنین پایگاهها و قرار داد های بعمل آمده که نتایج بسیار مثبتی در برداشته است مثلاً.

در اثر جنگ میان کوریائی ها که در گرفت سر انجام زیر نام کوریای شمالی و جنوبی کشور شان به دو قسمت تقسیم گردید، بخش شمالی با جمعیت بیست و هشت میلیون نفر زیر نام دولت دیموکراتیک و تا حدودی تحت حمایت دولت چین بوده که از زمان جدائی آن از کوریای جنوبی، فقط یک رئیس جمهور، در آنکشور حاکمیت میکند. درآمد سالانه یک نفر ۱۵۰۰ دالر بوده و در آمد کل جمعیت آن بیست و هشت میلیون دالر است.

و کوریای جنوبی با جمعیت پنجا میلیون نفر در آمد سالانه یک فرد بیست و پنج هزار دالر است، مجموع در آمد آنکشور در سال بیش از یک هزار میلیارد دالر بوده و از زمان جدائی از کوریای شمالی با آنکه گفته میشود وابسته امپریالیزم امریکا است تا حال یازده رئیس جمهور در آنکشور بوسیله مردم تغیر و تبدیل شده اند، از کوریای جنوبی یکنفر هم نمیخواهد بکوریای شمالی برود ولی اگر بمردم کوریای شمالی اجازه داده شود چون در اختناق و بوضع گدا بسر می برند شاید اکثراً مردم آن بکوریای جنوبی بروند.

خلاصه گرچه جوبایدن معاون رئیس جمهور امریکا در سفر اخیر خود به افغانستان گفته است اگر دولت افغانستان بخواد بعد از سال ۲۰۱۴ هم امریکا قوایش را در افغانستان نگاه خواهد داشت اما بقول و قرار های لفظی چندان اعتباری نیست بهتر این خواهد بود که پیشنهاد ایجاد پایگاه نظامی سناتور جمهوریخواه امریکا از سوی دولت امریکا و هم دولت افغانستان بر اساس یک قرار داد مورد بحث و ارزیابی دقیق قرار گیرد. پایان